چه خبر؟

«سرجوخه» در ایستگاه پایانی

امشب با پخش قسمت سی‌ام، سریال امنیتی-جاسوسی «سرجوخه» به کارگردانی احمد معظمی به پایان می‌رسد.

به گزارش جام جم، شنبه‌شب ساعت ۲۰ و ۴۵ دقیقه آخرین قسمت سریال سرجوخه با یک پایان غافلگیرکننده به انتها می‌رسد.

پنجشنبه گذشته خلاصه‌ای از قسمت‌های هفته گذشته روی آنتن رفت و روزهای جمعه و شنبه قسمت‌های پایانی پخش می‌شود.

در قسمت‌های پایانی قرار است از شخصیت سرجوخه رونمایی شود. «یوری گال»، رئیس میزِ ایران در موساد است که در سریال سرجوخه محور تمام خرابکاری‌ها و ترورها قرار می‌گیرد. ترورهایی که موساد بعضا مسوولیت آن را به عناوین مختلف پذیرفته است.

این سریال به تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری در مرکز سیما فیلم تهیه و تولید شده است.

«روزهای بد به در» به آی‌فیلم رسید

سریال «روزهای بد به در» به کارگردانی سعید آقاخانی جایگزین «نون‌خ۳» شد.

به گزارش جام جم، اولین قسمت از سریال روزهای بد به در از امشب ساعت ۲۱ به جای فصل سوم «نون‌خ» روی آنتن آی‌فیلم می‌رود. در خلاصه داستان این مجموعه آمده است: اردشیر سرایداری است که همراه خانواده‌اش در یک مدرسه زندگی می‌کند. پرویز پسر بزرگ اردشیر که ازدواجش به دلایل مختلفی مدت‌هاست به تعویق افتاده تصمیم می‌گیرد در هشتمین روز عید، مراسم ازدواجش را در حیاط مدرسه برگزار کند. در حالی که چند روز بیشتر تا عید نمانده، پرویز و خانواده‌اش تلاش می‌کنند همه چیز را برای روز عروسی مهیا کنند اما در این میان با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند و... . در این سریال مریم امیرجلالی، هومن برق‌نورد، مهران رجبی، مهران غفوریان و بیژن بنفشه‌خواه ایفای نقش کرده‌اند.

روزهای بد به در از امشب ساعت ۲۱ از شبکه آی‌فیلم پخش خواهد شد. این مجموعه در ۱۵ قسمت تولید شده است.

لبخند بازنشستگی به مجری خبر

به مناسبت بازنشستگی عاطفه میرسیدی، خبرنگار و گوینده خبر تلویزیون جمعی از بانوان اداره‌کل روابط‌عمومی با وی دیدار و از زحماتش تقدیر کردند.

به گزارش روابط‌عمومی رسانه‌ملی در این دیدار که عصر چهارشنبه ۱۰ آذرماه انجام شد، میرسیدی ضمن تشکر از حسن‌نظر و توجه سازمان صداوسیما و مدیرکل روابط‌عمومی گفت: از ۳ آذر امسال تولد دیگری را تجربه کردم و پس از ۲۵ سال حضور در عرصه خبر به حرفه اصلی خود یعنی طبابت برگشتم و امیدوارم در این عرصه هم بتوانم به مردم عزیزم خدمت کنم. هاجر جعفریان به نمایندگی از مدیرکل روابط‌عمومی صداوسیما ضمن ابلاغ سلام حسین قرائی به میرسیدی با اهدای لوح یادبودی از زحمات چندساله وی تجلیل کرد.

عاطفه میرسیدی، خبرنگار حوزه سلامت صداوسیما که از سال ۱۳۷۷ و از طریق آزمون وارد خبر صداوسیما شد پس از ۲۵ سال حضور در این سازمان به بازنشستگی رسید. او پیش از خبرنگاری در رشته پزشکی عمومی فارغ‌التحصیل شده بود و علاقه‌اش به خبرنگاری باعث شد همزمان در حرفه پزشکی و خبرنگاری سلامت فعالیت کند. میرسیدی علاوه بر خبرنگاری، گویندگی و سردبیری خبر ۲۰ شبکه چهار و اجرای گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو را نیز بر عهده داشت. حضور میرسیدی در تلویزیون طی دو سال گذشته و به‌واسطه فراگیری بیماری کرونا بسیار پررنگ شد و بسیاری از اطلاع‌رسانی‌ها درخصوص این بیماری برعهده وی بود.

«خط مقدم» از فردا در شبکه یک

سریال «خط مقدم» از فردا ۱۴ آذر تقدیم مخاطبان شبکه یک سیما می‌شود. به گزارش روابط‌عمومی رسانه‌ملی، مینی‌سریال خط مقدم از یکشنبه ۱۴ آذر در چهار قسمت از شبکه یک سیما پخش می‌شود. این مجموعه تلویزیونی به کارگردانی شهریار بحرانی و تهیه‌کنندگی مجید حقی به بخشی از دوران حساس و پرالتهاب سال‌های ۶۳ تا ۶۵ دفاع مقدس می‌پردازد و موضوع آن درباره شهید طهرانی‌مقدم است. داستان این فیلم سرگذشت مردان بلندبالایی است که پس از پاییز ۱۳۶۳ با تلاش و مشقت در روزگار تنهایی و مظلومیت، مجاهدانه جنگیدند. حسین عارف، حسام حسنی، بهراد رحمانی، آفرین عبیسی، غزاله اکرمی، بهزاد خلج و عطاا... سلیمانیان در این مجموعه نمایشی بازی کرده‌اند. مدیرهنری این مجموعه تلویزیونی عبدالحمید قدیریان، مدیر فیلمبرداری تورج منصوری، مشاور تهیه‌کننده محمدصادق آذین، مجری طرح محمدرضا رمضانی‌فرانی و مدیرتولید آن فرهاد کی‌نژاد است. سعید صادقی، مصطفی دالایی و مرتضی اکبری فیلمبرداری این اثر تلویزیونی را برعهده دارند.

خانه‌باغی در جماران

یکی از لوکیشن‌های اصلی مجموعه بی‌نشان مربوط به خانه شهاب‌الدین و مینو با بازی پرویز فلاحی‌پور و مریم کاویانی است که در خانه‌باغی در محدوده جماران تصویربرداری می‌شود و گروه مدتی است که در این خانه مستقر هستند. این خانه دو در دارد که هر دو در خانه به‌دلیل رفت‌وآمد عوامل باز است. آیفون همه لوکیشن‌ها اغلب قطع است و در ساختمان را برای عبور و مرور باز می‌گذارند. وارد که می‌شویم نگاه‌مان به دو ساختمان قدیمی می‌افتد که در دو طرف حیاط و در کنار ساختمان‌های مدرن و آپارتمان‌ها قرار دارد. اولین چیزی که نگاه هر کسی را به خود معطوف می‌کند، درخت خرمالویی است که میوه‌های بسیاری هم دارد. شمعدانی‌های داخل باغچه و حوضی که به جای آب پر از برگ‌های زرد و نارنجی است. کنار ساختمان اصلی هم یک گلخانه قرار دارد که پر از گلدان‌های زیباست. همچنین درخت انگور که برگ‌های خشک و رنگی‌اش دیوار ساختمان را زیبا کرده‌است. دیوارها و درهای هر دو ساختمان به رنگ آبی است و پرده‌های توری سفیدی پشت پنجره‌ها به چشم می‌خورد. مقابل این ساختمان دو طبقه، یک ساختمان دیگر هم قرار دارد که به‌گفته یکی از عوامل مربوط به منزل پدر شهاب‌الدین با بازی مهدی فقیه است که پشت پنجره‌های آن گلدان‌های شمعدانی و چند کدو تنبل قرار دارد و کنار در ساختمان هم یک هاون سنگی هست که یادآور خاطرات ما از دوران کودکی است. گروه در طبقه دوم مشغول کار هستند که در این میان یکی از عوامل آینه و شمعدان قدیمی به رنگ قرمز و سفید را داخل ساختمان می‌برد. مریم کاویانی را می‌بینیم که فیلمنامه به‌دست به حیاط آمده و گوشه‌ای می‌نشیند و آن را مرور می‌کند.

دردسرهای محله‌های قدیمی

که کارگردان ضبط پلان را آغاز نکرده، فن دوربین روشن است و به محض این‌که کارگردان دستور آغاز کار را می‌دهد، فن دوربین را به‌دلیل صدایی که دارد خاموش می‌کنند. صدای اذان ظهر شنیده می‌شود اما در قصه برای بازیگران میز صبحانه چیده‌اند و آنها باید صبحانه بخورند. همین که ضبط را آغاز می‌کنند صدای موتور و بلندگوی یکی از فروشنده‌هایی که همه چیز می‌خرد و می‌فروشد شنیده می‌شود و کار متوقف می‌شود. محله پر سروصدا و پر رفت‌وآمدی است و مدام سروصداهای اضافی مانع از ادامه کار می‌شود. ناچار می‌شوند پنجره‌ها را ببندند. شاید برایتان جالب باشد بدانید شما فقط بازیگران را مقابل دوربین می‌بینید اما افراد بسیاری پشت دوربین در سمت‌هایی چون منشی صحنه، دستیار کارگردان، بوم من، صدابردار و... در سکوت کامل ایستاده‌اند. مریم کاویانی و پرویز فلاحی‌پور پشت میز صبحانه نشسته‌اند و در حال گفتن دیالوگ‌هایشان هستند که یکباره کاویانی سرفه‌اش می‌گیرد و فلاحی‌پور سعی دارد با گفتن یک سری دیالوگ فضا را جمع و جور کند اما کارگردان پلان را قطع می‌کند. برایش آب گرم می‌آورند و بعد که بهتر شد کار را ادامه می‌دهند. این پلان که تقریبا پلانی طولانی است چند بار گرفته می‌شود تا مورد تایید کارگردان قرار بگیرد. سپس گروه برای صرف ناهار به ساختمان کناری که تبدیل به غذاخوری شده، می‌روند. بعد از ناهار هم نیلوفر پارسا و پویان گنجی از راه رسیده و گریم می‌شوند و لباس صحنه را می‌پوشند و با کارگردان دورخوانی می‌کنند.

وارد ساختمان می‌شویم. در طبقه همکف دو اتاق است که یکی از آنها مربوط به اتاق گریم و لباس آقایان و دیگری مربوط به گریم و لباس خانم‌هاست. از پله‌های کنار ساختمان که بالا می‌رویم پرویز فلاحی‌پور را می‌بینیم که پشت میز ناهارخوری نشسته و در حال مرور فیلمنامه است. اتاق کناری شامل یک بخاری گازی، گنجه‌های قدیمی، تلویزیون و یک‌سری تابلوست و یک کتابخانه که در آن کتاب‌های بسیاری ازجمله: بوق اشغال، اصول کافی، سمفونی مردگان، کویر تشنه و زویا قرار دارد که متعلق به شهاب‌الدین قصه بی‌نشان است. کنار میز ناهارخوری هم یک تراولینگ قرار دارد و روی آن دوربین و فیلمبردار و تا زمانی

گزارش پشت صحنه از سریال «بی‌نشان» هم

مصائب یک

زینب علیپور طهرانی

رسانه

«مسعود که از خانواده‌ای نسبتا مرفه است قصد ازدواج با ریحا
عاشقانه‌ای بین این دو نفر در این سریال در جریان است.» آنچه را ک
می‌توان گفت قصه عاشقانه‌ای در این سریال روایت می‌شود که مخ
شغلی یک خبرنگار با بازی پرویز فلاحی‌پور پرداخته می‌شود که از ای
منظری به این حرفه و مخاطراتش پرداخته شده‌است. سریال بی‌نشا
در ۳۰ قسمت برای پخش از شبکه سه تولید می‌شود. جام جم در یک
کارگردان و تهیه‌کننده گفت‌وگویی داشته که در ادامه می‌خوانید.

این قصه، جدید است

آخرین سریالی که راما قویدل برای تلویزیون ساخت، مجموعه «ایل‌دا» بود که سال گذشته از شبکه یک پخش شد. وی درباره کارگردانی سریال «بی‌نشان» و ویژگی‌های فیلمنامه آن می‌گوید:

فیلمنامه این سریال چه ویژگی‌ای داشت با توجه به این‌که شما در کار قبلی هم به کرونا مبتلا شدید، باز هم خطر کردید و در این شرایط کارگردانی این سریال را برعهده گرفتید؟

زمانی که مبتلا شدم واکسن نزده‌بودم اما به هر حال در جامعه امکان ابتلا وجود دارد و وابسته به فضای کار ما نیست. به نظر من نمی‌شود گفت من کار نمی‌کنم چون نمی‌خواهم مبتلا شوم. من عاشق کارم هستم و اگر روزی نتوانم کار کنم، آسیب می‌بینم. بنابراین دوره‌هایی هم وجود داشته نتوانستم کار کنم یا بهتر بگویم بعضی‌ها نگذاشتند کار کنم! اما همواره تحت هر شرایطی دوست دارم کار کنم و این روندی را که به زعم خودم روند پیشرفت و کسب تجربه است، ادامه بدهم. به هر حال من در این حرفه متولد و بزرگ شدم. به همین دلیل عاشقانه این حرفه را دوست دارم. درباره ویژگی‌های این سریال باید بگویم فیلمنامه بسیار قوی است و نویسنده‌های درجه یکی آن را نوشته اند و تا جایی که می‌دانم ایده اولیه مربوط به تهیه‌کننده است.

فیلمنامه کامل بود که شما به کار پیوستید؟

تا جایی که اطلاع دارم نویسنده‌ها دو سال درگیر تحقیق و نگارش فیلمنامه بودند و حدود ۱۲ قسمت از فیلمنامه هم آماده بود که من وارد پروژه شدم. البته سیناپس کار تا آخر موجود بود. به نظرم قصه پرکشش و جذابی داشت. اصولا وقتی کاری به من پیشنهاد می‌شود به حافظه‌ام رجوع می‌کنم ببینم از این جنس کار ساخته شده. گاهی سریالی را می‌بینم که قصه مشابه آن قبلا ساخته شده و برایم این سوال پیش می‌آید چه لزومی دارد یک‌بار دیگر همان قصه ساخته شود. بنابراین ترجیح می‌دهم کار مشابه و قصه‌ای را که قبلا ساخته شده، کار نکنم. حتی ایلدا هم برای من جزو این فضاهای جدید و کار بسیار سختی بود اما چون دوست داشتم فضای کارهای جنگ را تجربه کنم این سریال را با تمام سختی‌هایی که داشت ساختم. این سریال هم به نظرم کار متفاوت و جذابی است.

با ورودتان به پروژه چه تغییراتی را روی فیلمنامه اعمال کردید؟

من معمولا تغییرات خاصی روی فیلمنامه انجام نمی‌دهم، به خصوص این سریال که برای من از چند منظر پروژه‌ای بسیار ویژه است. اولین و مهم‌ترینش تهیه‌کننده است. آقای رزاق‌کریمی از دوستان قدیمی من است و من در مقطعی دستیار او بودم و خاطرات بسیار درخشانی از آن دوران دارم. بنابراین به محض این‌که این دعوت اتفاق افتاد با عشق و اشتیاق بسیاری وارد شدم. از طرفی فضای کار برای من خیلی درجه یک است و حالم با این سریال خوب است. تمام تلاشم را می‌کنم این حال خوب را به مخاطب هم منتقل کنم.

با توجه به لوکیشنی که انتخاب کردید و تا جایی که در جریان قصه قرار داریم، به نظر می‌رسد از آن داستان‌هایی باشد که قرار است یک سری نکات مهم را در روابط خانوادگی به مخاطب یادآوری کند.

البته فیلمنامه بافت چندگانه‌ای دارد که این لوکیشن هم خانه شخصیت‌های اصلی و محوری سریال است. ضمن این‌که قرار است ما به روابط خانوادگی و چیزهایی که این روزها دارد کمرنگ می‌شود و جای تاسف دارد هم بپردازیم. مثل صفاتی چون شجاعت، مردانگی و تاب آوردن در سختی‌هایی که می‌تواند وجود نداشته باشد. می‌توانم بگویم شخصیت اصلی داستان ما در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند نباشد. یعنی خودش انتخاب می‌کند که باشد و سختی آن را هم بر اساس رسالتی که به آن معتقد است به جان می‌خرد. چون به وظیفه‌ای که جامعه برعهده‌اش قرار داده، معتقد است و تاوان سنگینی هم بابت این تصمیم می‌پردازد. همه آن چکیده‌ای از چیزی است که در حال حاضر به آن نیاز داریم. ما به قهرمان نیاز داریم.

در این سریال به زندگی خبرنگارها پرداخته‌اید. نگران واکنش‌ها نیستید؟

زمانی که من تصمیم گرفتم فیلمساز شوم، همه واکنش‌ها را به جان خریدم. مخصوصا تجربه تلخی که «ایل‌دا» برای من به‌جا گذاشت. من سال‌های طولانی دستیار پدر بودم. یک چیز را همیشه به من یادآور می‌شد. همان حکایت پیرمرد و نوه‌ای که یک چهارپا داشتند و این حکایت را همه می‌دانند.

فکر می‌کنید زمان پخش سریال، مخاطبان هم بتوانند با قصه و شخصیت‌ها همراه شوند؟

من همیشه و تا جایی که در اختیار و تحت کنترل من است، سعی می‌کنم تک‌تک قدم‌هایم را درست بردارم. یعنی هر پلانی که می‌گیرم، تصور کنم آخرین پلان زندگی‌ام باشد که می‌گیرم. به همین دلیل تمام تلاشم را می‌کنم که این پلان را به درست‌ترین شکل بگیرم. وقتی این نگاه را در هر پلان از سریال دارم و فضای خوب و تیم بسیار همراه و حرفه‌ای که در کار دارم و آرامشی که در این کار نصیبم شده، فکر می‌کنم نتیجه خوبی حاصل خواهد شد.

قویدل:
قرار است ما به روابط خانوادگی و چیزهایی که این روزها دارد کمرنگ می‌شود و جای تاسف دارد هم بپردازیم. مثل صفاتی چون شجاعت، مردانگی و تاب آوردن در سختی‌هایی که می‌تواند وجود نداشته باشد

یک فرصت طلایی

مریم کاویانی که نقش مینو همسر شهاب‌الدین را در این سریال بازی می‌کند در این‌باره معتقد است: «فکر می‌کنم به لحاظ حرفه‌ای خیلی نمی‌توان درباره کاری که هنوز پخش نشده و نقشی که بازی می‌کنم توضیح بدهم. چون می‌خواهم جذابیت کار از بین نرود. اما ویژگی اصلی که این سریال برای من داشت این بود که من همیشه دوست داشتم با آقای قویدل همکاری کنم اما این فرصت پیش نمی‌آمد. از طرفی آقای رزاق‌کریمی هم از تهیه‌کننده‌های بسیار خوش نام و با تجربه است که این فرصت همکاری در «بی‌نشان» برای من فراهم شد که برای من فرصت طلایی بود. زمانی که فیلمنامه را هم خواندم به نظرم خیلی جذاب آمد و این‌که رگه‌هایی از واقعیت و مستندات جامعه در آن وجود داشت که برای من متفاوت و جالب بود. نقش مینو را هم دوست داشتم.»

او درباره تغییرات در بازیگران سریال می‌گوید و این‌که با وجود این تغییرات باز هم تمایل داشت در آن حضور پیدا کند: مینو یک خانم فرهنگی با یک جهان بینی محکم که مادر سه فرزند است و همچنین حامی و رفیق و همراه همسرش شهاب‌الدین که در فراز و نشیب‌های زندگی کنار همسرش است و هیچ وقت پشت همسرش را خالی نکرده است. برای من هم جالب بود که همسر یک خبرنگار باشم و این تجربه را کسب کنم که چنین افرادی چه زندگی دارند و با چه مسائلی روبه‌رو هستند. خیلی تجربه جذابی برای من است. انگار با هر نقش زندگی می‌کنم. نکته مهم دیگر این‌که برایم همیشه مهم است که صاحب کار چه کسی است و این‌که من در کار آرامش داشته باشم.»